

پیام نهم واکنش‌های فوری و حساب شده به حملات، دشمن را غافلگیر کرده‌است.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های جنگ رمضان، تغییر در الگوی پاسخگویی و مدیریت زمان در جبهه خودی است. مقایسه سرعت عمل در نبرد فعلی با الگوی رفتاری در جنگ ۱۲ روزه گذشته، نشان‌دهنده یک جهش تاکتیکی است. بانک اهداف دقیق و محاسبه شده به همراه افزایش سرعت پاسخگویی، ابتکار عمل را از دست دشمن خارج کرده است و به اقرار برخی تحلیلگران، مدیریت جنگ از دست ترامپ در حال خارج شدن است. برخلاف محاسبات دشمن که انتظار داشت تنش‌های ترکیبی منجر به فلج تحلیلی و تشتت آرا در اتاق فرماندهی شود، پاسخ‌های اخیر نشان داد که ماتریس واکنش‌ها پیشاپیش طراحی شده و هیچ‌گونه آشفتگی یا تأخیری در صدور فرمان آتش وجود ندارد. دشمن تلاش کرد با برجسته‌سازی میز مذاکره و ارسال پالس‌های دیپلماتیک، سیستم دفاعی ایران را دچار غفلت و خطای محاسباتی کند اما هوشیاری سیستم و تقدم میدان بر دیپلماسی در راهبرد ایران، باعث شد دشمن دچار غافلگیری شده و در تله زمان‌سنجی خود گرفتار شود. مواضع اخیر ترامپ و اعتراف صریح او به شوکه شدن نسبت به واکنش بدون اغماض ایران نسبت به کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکایی، نشان‌دهنده فروپاشی تصویر ذهنی واشنگتن از سطح جسارت و توانمندی عملیاتی تهران است. انجام عملیات‌های متقابل در کوتاه‌ترین زمان ممکن، نیازمند یک شبکه اطلاعاتی و لجستیکی و ارتباطی به‌شدت کارآمد، امن و منعطف است. این واکنش‌های فوری ایران نشان داد که زیرساخت‌های فرماندهی و کنترل ایران و تدابیر اتخاذ شده، بسیار هوشمندانه و کارآمد هستند. از طرفی واکنش سریع و دقیق نظامی ایران باعث شد تا ماشین رسانه‌ای دشمن فرصتی برای تصویرسازی دروغین از ضعف ایران پیدا نکند و ابتکار عمل روانی در دست جریان مقاومت باقی بماند. همراهی مردم منطقه با ایران، گواه روشنی بر این شکست است. در فضای رسانه‌ای و سیاسی آمریکا نیز این آشفتگی به چشم می‌خورد. استعفا‌های جوکنت و اقرار او به شروع این جنگ با فشار لابی صهیونیسم، تهدید مستقیم رسانه‌ها توسط دولت، مواضع ضدونقیض دولتمردان در مدیریت جنگ و تشریح اهداف احتمالی آن، آشفتگی بازارهای مالی و انرژی جهانی، علی‌رغم تلاش‌های حداکثری آمریکا برای کنترل بازار، گواه روشنی بر ناتوانی و استیصال دولت آمریکا در مدیریت جنگ است. همه این موارد در یک بازه بیست‌روزه از شروع جنگ اتفاق افتاده که به اقرار بسیاری از کارشناسان، طولانی‌شدن جنگ می‌تواند موجب تشدید جدی این مشکلات برای متجاوزین باشد.

پیام یازدهم با وجود التهابات زمستان ۱۴۰۴ هیچ اختلالی در تأمین کالاهای اساسی و بازار وجود نداشت.

جنگ‌ها همواره منشأ بحران‌هایی در خصوص تأمین و عرضه کالاهای اساسی و مصرفی در بازار می‌شوند، اتفاقی که در کشور به هیچ وجه رخ نداده است و حتی بازار شب عید مردم در سراسر کشور به مثل سال‌های سابق شلوغ و فعال است. حتی با توجه به شرایط جنگی، ما شاهد افزایش قیمت کالاها یا کمبود نیستیم و این نشان دهنده آن است که حوزه‌های مختلف اداره کشور به درستی مشغول انجام وظایف خود هستند. این شرایط علی رغم وضعیتی است که طی سه ماه گذشته ایران در سخت‌ترین دوران خود بوده است. بزرگ‌ترین اصلاح ارزی در کشور کلیدخورده، یک اغتشاش داخلی سنگین در کشور طراحی و اجرا شده که خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به کشور وارد آورده و به تبع آن فشار بین‌المللی بر کشور فزاینده شده و دائماً سایه جنگ بر سر کشور سنگینی می‌کرده است. اما علی‌رغم همه این ناپسامانی‌ها و التهابات زمستان امسال، امروز جمهوری اسلامی بدون هیچ‌گونه مشکلی در تأمین کالاهای اساسی برای مردم، در حال جنگیدن با قدرت اول نظامی جهان است و عموم مردم هیچ‌گونه کمبودی در نیازهای مصرفی خود احساس نمی‌کنند. این عقلانیت اداره و مدیریت بحران در کشور، امری قابل‌ستایش است که طی این زمستان سخت، کشور دچار بحران مضاعفی نشد و بازار به روند معمول خود ادامه داد.



جنگ‌ها همواره منشأ بحران‌هایی در خصوص تأمین و عرضه کالاهای اساسی و مصرفی در بازار می‌شوند، اتفاقی که در کشور به هیچ وجه رخ نداده است و حتی بازار شب عید مردم در سراسر کشور به مثل سال‌های سابق شلوغ و فعال است. حتی با توجه به شرایط جنگی، ما شاهد افزایش قیمت کالاها یا کمبود نیستیم و این نشان دهنده آن است که حوزه‌های مختلف اداره کشور به درستی مشغول انجام وظایف خود هستند. این شرایط علی رغم وضعیتی است که طی سه ماه گذشته ایران در سخت‌ترین دوران خود بوده است. بزرگ‌ترین اصلاح ارزی در کشور کلیدخورده، یک اغتشاش داخلی سنگین در کشور طراحی و اجرا شده که خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به کشور وارد آورده و به تبع آن فشار بین‌المللی بر کشور فزاینده شده و دائماً سایه جنگ بر سر کشور سنگینی می‌کرده است. اما علی‌رغم همه این ناپسامانی‌ها و التهابات زمستان امسال، امروز جمهوری اسلامی بدون هیچ‌گونه مشکلی در تأمین کالاهای اساسی برای مردم، در حال جنگیدن با قدرت اول نظامی جهان است و عموم مردم هیچ‌گونه کمبودی در نیازهای مصرفی خود احساس نمی‌کنند. این عقلانیت اداره و مدیریت بحران در کشور، امری قابل‌ستایش است که طی این زمستان سخت، کشور دچار بحران مضاعفی نشد و بازار به روند معمول خود ادامه داد.

پیام دهم

عقلانیت و تدبیر حاکم بر مدیریت جنگ برگ‌های برنده زیادی را در اختیار ایران قرار داده‌است.

با شروع حمله دشمن همراه ترور غم‌بار رهبر انقلاب، طراحی‌های قبلی و سناریوهای آماده‌شده به‌هیچ‌روی از مدار خویش منحرف نشد. ما از وعده‌های صادق قبلی و مواجعات مان بسیار درس آموخته بودیم. این ذخیره دانایی و تجربه و نیز اشراف اطلاعاتی به‌علاوه پیش‌بینی‌ها، زمینه مستعدی برای پیش‌بردن معقول اقدامات را فراهم آورد. اما وجود نوعی عقلانیت پیچیده که بر انگاره‌های فکر شیعی و تجارب تمدنی ایرانی استوار است عامل اصلی استفاده از این زمینه‌ها گردید. این عقلانیت انواع گزینه‌ها را در اختیار نیروهای نظامی ما قرار داد. فهرستی از این گزینه‌ها چنین است:

- تدبیر روند درگیری با دشمن به‌صورت مراحل منطقی شامل کورکردن رادارها و چشم دشمن، ضربه به خطوط فرماندهی و ارتباط و کنترل شان به‌عنوان اصلی‌ترین اقدامات اولیه
- ضربه به پایگاه‌های لایه اول نزدیک به کشور برای دورشدن هواگردهای دشمن و دشوارشدن تهاجم هوایی به‌عنوان نقطه قوت دشمن در فرایندی تدریجی
- استفاده از راهبرد پراکنده‌سازی لانچرهای پرتاب در سطح کشور برای اجتناب از ضربه‌پذیری - شناسایی سامانه‌های رهگیری دشمن از طریق پرتابه‌های قدیمی و انباری و گرفتن بازخورد از میدان برای واردکردن ضربات اصلی
- ایجاد نسبت منطقی میان پرتاب موشک و پرتاب پهپاد انفجاری و اکتفاء به حداقل‌ها
- واردساختن تدریجی پرتابه‌های پیش‌رفته‌تر با تسلط بیشتر بر آسمان دشمن
- اقدام هماهنگ جبهه مقاومت به‌ویژه دو ضلع عراق و لبنان و نگه‌داشتن ظرفیت یمن برای شرائط پیچیده‌تر و نیز کنترل برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس
- انسداد قاطع تنگه هرمز برای ایجاد فشار بر آمریکا از طریق تأثیرپذیری جدی اقتصاد جهانی
- تمرکز بر حذف مزیت اشراف پهپادهای دشمن بر آسمان ایران بالحاظ تجربه جنگ قبل با سامانه‌های بهینه‌شده
- دشوارسازی سوخت‌رسانی به هواگردها با ناامن‌سازی آسمان و زمین عراق و ضربه به مراکز مرتبط
- اتخاذ تصمیم راهبردی برای واردساختن ضربات بالاتر از سطح مواجعات دشمن
- هدفگیری نیروهای پنهان‌شده دشمن در کشورهای جنوبی

پیام دوازدهم سال‌ها تصویرسازی مسموم نسبت به مسئولان جمهوری اسلامی، با استقامت و شهادت آنها فروپيخت.



طی دهه‌های اخیر، خصوصاً در ده سال اخیر، تخریب وجهه مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی از طُرُق مختلف در دستورکار دشمنان بود. سیاست تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن ایجاد بدبینی نسبت به مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی و سلب اعتماد مردم نسبت به آنها بود که با هدف انفکاک مردم از حاکمیت دنبال می‌شد. دشمن می‌خواست مردم ایران، جمهوری اسلامی را طوری تصویر کنند که گویی یک اقلیت از خانواده‌های خاص یا نخبگان با گرایش سیاسی و فرهنگی خاص بر مقدرات کشو حاکم هستند و همواره تلاش کرد تصویری مخوف و امنیتی و آمیخته با قدرت‌طلبی و فساد سیاسی و اقتصادی از آنها ارایه نماید. به طور خاص، در یک سال اخیر یکی از خطوط محتوایی که دائماً به دروغ درباره مسئولان جمهوری اسلامی مطرح می‌شد، انگاره «فرار» بود. در نظام‌های سیاسی که مسئولان و کارگزاران منافع شخصی خود را لحاظ می‌کنند، در هنگامه وقوع بحران، مسئولان کشور را ترک و خود را به جای امن می‌رسانند. از جمله در رژیم پهلوی، در ماه‌های پایانی انقلاب، شاه، خانواده شاه و طیف گسترده‌ای از سیاستمداران و نخبگان رژیم پهلوی به محض احساس خطر، کشور را ترک کردند. یکی از نقطه‌های تحسین‌برانگیز و اعجاب‌آور نظام جمهوری اسلامی در جنگ رمضان این بود که در شرایط جنگی، حتی یکی از مسئولان نظامی یا سیاسی کشور، برای حفظ جان خود از انتصاب به نظام جمهوری اسلامی انصراف نداد؛ و بلکه بالاتر، مسئولان رده‌بالای سیاسی کشور، وفادارنه پای نظام سیاسی ایستادند و ایثارگرانه جان خود را فدا کردند. وفاداری، ایستادگی و شهادت گسترده مسئولان جمهوری اسلامی، بسیاری از تصویرسازی‌های مسموم علیه مسئولان کشور که سال‌ها برای القای آن به افکار عمومی زحمت کشیده شده بود، ابطال کرد. یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های بیست روز نخست جنگ، افزایش اعتماد مردم به کارگزاران جمهوری اسلامی و تقویت سرمایه اجتماعی نظام بود. این بستر اجتماعی، در وفاداری مردم به نظام در ادامه روزهای جنگ و تعیین تکلیف سرنوشت نهایی جنگ بسیار موثر خواهد بود، ان شا الله.

پیام سیزدهم قدرت آفندی ایران در حوزه موشکی و پهپادی در وضعیت غیرقابل‌مهارى قرار گرفته‌است.



خشم ایران در جنگ به وضوح مشخص است، اما عقلانیتی که در طراحی عملیات‌های خود لحاظ می‌کند، آنرا امروز به مرحله‌ای رسانده است که رسماً قدرت آفندی‌اش در حوزه موشکی و پهپادی، غیرقابل‌کنترل شده است. این مهارناپذیری قدرت آفندی ایران، برآمده از استراتژی جنگی و تصمیمات هوشمندانه‌ای است که در طراحی دقیق و سریع عملیات‌ها و نحوه استفاده از تسلیحات نظامی‌اش به کار می‌گیرد. این مزیت آفندی ایران که متکی بر یک شبکه فرماندهی چابک و حرفه‌ای در نیروهای هوافضا، دریایی و زمینی است، به دشمن ثابت کرده است که ایران هرلحظه چیزی برای غافلگیری آنها دارد. به همین جهت دشمن را در جنگ، بسیار محتاط‌تر از قبل کرده است. در این خصوص، مواضع رئیس جمهور جنایتکار آمریکا به وضوح نشان می‌دهد که از حملات ایران شوکه می‌شود و حتی در روزهای اخیر تصریح کرده که ایران ما را شوکه کرده است. بنابراین موفقیت عملیات‌های ایران که البته با سانسور شدید رژیم صهیونیستی و امریکا و کشورهای منطقه همراه است، نشان از آن دارد که سطح فناوری ایران در برخی حوزه‌ها از دشمن بالاتر است و اثبات می‌کند که سطح دقت در سامانه‌های آفندی ایران تا اندازه‌ای است که هیچ نقطه‌ای از دسترس ایران خارج نیست! از جمله عوامل مهم در مهارناپذیری قدرت آفندی ایران، باید به پراکندگی و متغیر بودن مواضع لانچرها اشاره کرد که باعث اختلال در شناسایی آنها می‌شود و دشمن در کنترل آتش ما ناکام می‌ماند. همچنین حجم بالای موشک‌ها و پهپادهای تولید شده طی سالهای گذشته و استمرار تولید آنها در اثنای جنگ، دست ایران را بیش از پیش باز گذاشته است تا آزادانه به اهداف خود حمله‌ور شود و چالشی دراین‌خصوص نداشته باشد، بحرانی که دشمن در حوزه آقند و پدافند با آن مواجه شده است.

پیام چهاردهم

غیرعملیاتی شدن عمده پایگاه‌های آمریکا و خروج ده‌ها هزار نفر از نیروها، اخراج آمریکا از منطقه را در دسترس قرار داده‌است.



راهبرد اخراج آمریکا از منطقه، به معنای پایان رسمی قرن آمریکایی در غرب آسیاست. تحولات میدانی جنگ رمضان پس از بیست روز، نشان می‌دهد که این راهبرد به یک واقعیت دسترس تبدیل شده است. فلج شدن تدریجی ماشین جنگی سنتکام در پی حملات مقتدرانه اخیر، توازن قوا را به نفع جبهه مقاومت تغییر داده است. فروپاشی دکترین امنیت پایگاه‌محور و اثبات ناکارآمدی سامانه‌های پدافندی گران‌قیمت در پایگاه‌های راهبردی

آمریکا در مقابل حملات آفندی ایران، این پایگاه‌ها را از کانون‌های قدرت به نقاطی آسیب‌پذیر و ناکارآمد تبدیل کرده است. هم‌زمان، عقب‌نشینی ناوهای هواپیمابر به فواصل بیش از ۱۰۰۰ کیلومتری، عملاً پایان عصر سلطه دریایی آمریکا در منطقه را رقم زده و توان پشتیبانی هوایی آن‌ها را به صفر نزدیک کرده است. در سطح لجستیکی، انهدام مخازن، استراتژیک و قطع شریان‌های سوخت‌رسانی، ماندگاری نیروهای متجاوز را غیرممکن ساخته است. از این رو، تخلیه ده‌ها هزار سرباز آمریکایی از منطقه و پناه گیری برخی از آنها در هتل‌ها و مراکز غیر نظامی برای جلوگیری از فاجعه انسانی تحت‌فشار سنگین افکار عمومی واشنگتن و جنبش بازگشت به خانه، نشان دهنده استیصال و درماندگی آمریکا از مدیریت نظامی منطقه در مقابل تهدیدهاست.

از سوی دیگر، قاطعیت ایران در هدف قرار دادن مستقیم مبدأ تهدید و ناکارآمدی آمریکا در مقابله با این تهدیدها، هزینه میزبانی از نیروهای آمریکایی را برای کشورهای منطقه به سطحی غیرقابل تحمل نزدیک کرده و بازنگری جدی آنها در سیاست‌های راهبردی آینده امنیتی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. اخراج آمریکا از منطقه، نقطه شروع تحولات آینده منطقه خواهد بود. اهمیت این تحول در این است که با خروج فیزیکی و عملیاتی نیروهای آمریکا، منبع اصلی ناامنی و تروریسم دولتی در منطقه حذف و نفس مصنوعی رژیم صهیونیستی نیز قطع می‌شود و کشورهای منطقه برای اولین بار در قرن اخیر، ناچار به پذیرش واقعیت قدرت ایران و گذار به یک نظم امنیتی درون‌زا، بدون دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای خواهند بود.



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	سیاست پستن تنگه هرمز از ساعات ابتدایی معادلات جنگ را تغییر داد.
۵	پیام دوم	شبکه یکپارچه پدافندی کشور به موفقیت‌های خارج‌تصورى دست یافته است.
۶	پیام سوم	با اقدامات پیش‌دستانه نیروی زمینی سپاه امکان تحرک از تجربه طلیان غرب کشور سلب شد.
۷	پیام چهارم	حضور آگاهانه مردم، خیابان را از میدان التهاب به عرصه پیروزی اجتماعی بدل کرد.
۸	پیام پنجم	التماس آمریکا از سایر کشورها نشانه استیصال او در میدان نظامی است.
۹	پیام ششم	ملت ایران در دل یک بحران سرنوشت ساز، جهان را با آرامش خود غافلگیر کرد.
۱۰	پیام هفتم	حفظ نظام سیاسی و بازسازی فوری ساختارها، پروژه اصلی جنگ را به بن‌بست کشاند.
۱۱	پیام هشتم	شجاعت و درایت مجلس خیرگان در تعیین رهبر جدید خارج از محاسبات دشمن بود.
۱۲	پیام نهم	واکنش‌های فوری و حساب شده به حملات، دشمن را غافلگیر کرده است.
۱۳	پیام دهم	عقلانیت و تدبیر حاکم بر مدیریت جنگ برگ‌های برنده زیادی را در اختیار ایران قرار داده است.
۱۴	پیام یازدهم	با وجود التهابات زمستان ۱۴۰۴ هیچ اختلالی در تأمین کالاهای اساسی و بازار وجود نداشت.
۱۵	پیام دوازدهم	تصویرسازی مسموم نسبت به مسئولان جمهوری اسلام، با استقامت و شهادت آنها فروپریخت.
۱۶	پیام سیزدهم	قدرت آفندی ایران در حوزه موشکی و پهپادی در وضعیت غیرقابل‌مهارى قرار گرفته است.
۱۷	پیام چهاردهم	غیرعملیاتی شدن عمده پایگاه‌های آمریکا، اخراج آمریکا از منطقه را در دسترس قرار داده است.

۱۹

نبرد سرنوشت؛

شتوحات ۲۰ روزه

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران

۱

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

سیاست بستن تنگه هرمز از ساعات ابتدایی معادلات جنگ را تغییر داد.



مادی دشمنان بود. با ایستادگی همه‌جانبه، جنگ به سرعت از حالت اولیه خارج شد و به مرحله فرسایشی رسید. در این میان، زمان به عنوان عنصری تعیین‌کننده به نفع ایران به جریان افتاد. با گذشت روزهای نخست، جهان شاهد تحقق کابوس بزرگ بازارهای انرژی بود؛ تنگه هرمز بسته شد و بازار جهانی به تدریج درک کرد که این وضعیت پایدار خواهد ماند. این اقدام استراتژیک، فشار خردکننده‌ای بر اقتصاد آمریکا و ثبات بازارهای بین‌المللی وارد آورد. مقامات واشنگتن که پیش‌تر مدعی بودند در صورت بسته شدن تنگه، به سرعت آن را بازگشایی خواهند کرد، در عمل با بن‌بست نظامی مواجه شدند. در پی این استیصال، آمریکا از قدرت‌های جهانی همچون چین و کشورهای اروپایی درخواست کرد تا برای باز کردن این آبراهه حیاتی به او کمک کنند، اما این درخواست‌ها با پاسخ منفی آن‌ها روبرو شد.

اکنون در آخرین روزهای اسفندماه، همه بازیگران بین‌المللی به این واقعیت پی برده‌اند که تنگه هرمز با فشار نظامی باز شدنی نیست. این آبراهه اکنون در دستان قدرتمند نیروهای مسلح ایران قرار دارد و این موضوع تمام معادلات جنگ را به نفع ایران تغییر داده است. دشمن که به دنبال پیروزی سریع بود، اکنون خود را در میانه بحرانی می‌بیند که خروج از آن بدون پذیرش قدرت ایران غیرممکن است.

پیام دوم

شبکه یکپارچه پدافندی کشور به موفقیت‌های

خارج تصویری دست یافته‌است.



عملکرد شبکه یکپارچه پدافند هوایی در جنگ رمضان، نقطه عطفی مهم در نبردهای پیچیده هواپایه و سایبری ایران به شمار می‌رود. مشکلاتی که در جنگ ۱۲ روزه برای سامانه‌های پدافندی کشور به وجود آمد باعث شد تا تلاش‌های جدی برای عملیات دقیق عیب یابی و بازسازی آن در بازه زمانی بین این دو جنگ، صورت گیرد که با مشاهده عملکرد بیست‌روزه این سامانه، این تلاش‌ها تا حد بسیار زیادی موفق ارزیابی می‌شود.

استفاده از دانش بومی و تکنولوژی‌های داخلی در ارتقای سامانه‌ها مزیتی است که در سرعت بازیابی و ترمیم آنها بسیار حائز اهمیت است. معماری بومی و ایزوله شبکه پدافندی، تلاش‌های گسترده برای اختلال در زیرساخت‌های فرماندهی و کنترل را ناکام گذاشته است. در همین راستا، عملیات پیچیده سرکوب پدافند هوایی آمریکا نیز با موانع جدی روبه‌رو شد، چراکه تحرک بالا، جابه‌جایی سریع پس از شلیک، معماری چندلایه، نوع استفاده متناسب با زمان جنگ و سطح تهدید دشمن، ضریب بقاپذیری این سامانه‌ها را به شکل چشمگیری نسبت به جنگ ۱۲ روزه افزایش داد.

رهگیری و هدف قراردادن پهپادهای پیشرفته‌تجهازی دشمن همچون هروس و همچنین شکار موفق جنگنده‌های نسل پنجم اف-۳۵، اقدامی بسیار برجسته و چالشی جدی برای تصور نفوذناپذیری تکنولوژی پنهان‌کار آمریکا ایجاد کرد. این مرحله از نبرد نشان داد که چتر راداری بومی قادر است اهداف پیشرفته با سطح مقطع راداری پایین و سامانه‌های اخلاغر پیشرفته را نیز شناسایی و رهگیری کند. رهگیری جنگنده رادارگریز نسل پنجم، اقدامی است که در جهان برای اولین بار انجام شد و افسانه جنگنده‌های رادارگریز را به چالش کشید.

از منظر اقتصاد جنگ، هدف قرارگرفتن جنگنده‌های گران‌قیمت و تسلیحات پیشرفته با استفاده

از سامانه‌های رهگیر مقرون‌به‌صرفه بومی، هزینه اقتصادی قابل توجهی را به طرف مقابل تحمیل کرده و موازنه هزینه‌ها را تغییر داده است. این دستاورد میدانی، پیامدهای روانی مشخصی نیز به همراه داشته است؛ ایجاد سطحی جدید از بازدارندگی روانی برای خلبانان مهاجم که اکنون حریم هوایی کشور را محیطی بسیار پرخطر ارزیابی می‌کنند، موضوعی که می‌تواند به افزایش ضربه خطای محاسباتی در عملیات‌های آن‌ها منجر شود و از سرعت و حجم و کیفیت عملیات‌های آنها بکاهد.

پیام اول

۳

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

با اقدامات پیش دستانه نیروی زمینی سپاه امکان تحرک از تجزیه طلبان غرب کشور سلب شد.



یکی از خطرات جدی در آغاز نبرد آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران باز شدن جبهه‌های متعدد بود؛ این امر می‌توانست تمرکز ایران را از ضربه‌زدن مخصوصاً در ساعات و روزهای نخستین بر اهداف آمریکایی-اسرائیلی بردارد و فرصت برای رخنه به داخل کشور و همزمان فعال‌کردن هسته‌های خاموش ترور فراهم گردد. یک جبهه حساس، غرب کشور و به‌ویژه اقلیم کردستان بود. اقلیم با تعدد احزاب کرد مسلح و خاستگاه‌های مختلف فکری و وابستگی حادشان به سرویس‌های بیگانه به‌ویژه رژیم و آمریکا می‌توانست بهترین بستر باشد. دشمن در این مورد، هم قبل از حمله و هم بعد از آغاز جنگ تلاش‌های مختلفی برای ایجاد همگرایی و سوق همه یا دست‌کم بخشی از ایشان به سمت ایران انجام داد. تلاش برای متحد ساختن پنج گروه مسلح ازجمله کومله، پژاک و پاک ازجمله آن بود. با توجه به پیش‌بینی حمله مجدد رژیم و آمریکا و نگرش به مذاکرات به‌مثابه تله، سناریوهای مختلفی برای این امر آماده بود. علاوه بر سیاست مهارچندجانبه، سرعت عمل، افزایش اشراف بر مناطق صعب‌العبور، تقویت مناطق مرزی مجاور این گروه‌ها، کنترل مسیرهای قاچاق اسلحه، اشراف بالا در شناسایی هرگونه تحرک برای طراحی میدانی یا اقدام عملیاتی، بلافاصله نقاط مشکوک یا قطعی طراحی و اقدام، مورد اصابت موشک‌های برد کوتاه، پهپادهای انفجاری، یا گلوله‌های توپخانه قرار گرفت.

در ابتدا پایگاه‌های معهود آن‌ها مورد ضربه قرار گرفت و بعد با توجه به حجم آتش ایران و پناه بردن ایشان به مناطق جمعیتی و مسکونی با اشراف مجدد اطلاعاتی حملات به‌صورت هدفمند و دقیق انجام شده است که ادامه هم دارد. در این میان مأموریت اصلی بر عهده نیروی زمینی سپاه بود که با توجه به سوابق شناخت از این گروه‌ها که در شمال غربی و غرب کشور به‌خوبی نسبت به مهار ایشان اقدام کرده و رمق و قدرت تحرک‌شان را گرفته است.

پیام چهارم

حضور آگاهانه مردم، خیابان را از میدان التهاب

به عرصه پیروزی اجتماعی بدل کرد.



گاهی سرنوشت یک جامعه را خیابان‌ها و در رفتار روزمره مردم رقم می‌زنند. این وضعیت برای جامعه ما بارها این واقعه تکرار شده است. در وضعیت بسیار حساس و تعین کننده جنگ فعلی، دوباره جامعه ما باید میان دو مسیر التهاب و بی‌ثباتی، با مسیر

مسئولیت‌پذیری و حفظ نظام یکی را انتخاب می‌کرد. آنچه در نهایت ورق اصلی

جنگ را تعیین کرد، انتخاب آگاهانه مردم مبنی بر حفظ میدانی کشور با حضور خود در خیابان‌ها بود؛ انتخابی که به نوعی «فتح اجتماعی» انجامید.

در این جنگ دشمنان بر این باور بودند که فضای ملتهب و فشارهای هم‌زمان داخلی می‌تواند شهرها را به صحنه درگیری‌های خیابانی تبدیل کند و با کمک جنگ نظامی بیرونی نظام را ساقط کند. اما آنچه که این نقشه را برهم زد، اراده و همت جامعه برای تعیین سرنوشت خود بود.

مردم، با درکی روشن از حساسیت شرایط، حضوری آگاهانه و داوطلبانه در عرصه عمومی نشان دادند. خیابان‌ها نه به میدان درگیری، بلکه به صحنه حضور انقلابی مردمی تبدیل شد که می‌خواستند پیام روشنی به دشمنان بدهند که اجازه دخالت و تجزیه‌ش کشور را به آنها نمی‌دهند. این حضور گسترده، شجاعانه و مسئولانه، فضای اجتماعی را از مزدوران تنش‌آفرین خارج کرد و نشان داد که اراده جمعی می‌تواند مسیر تحولات را تغییر دهد. این حرکت عمومی، جلوه‌ای از بلوغ اجتماعی بود. مردمی که تجربه‌های تلخ بی‌ثباتی در منطقه را دیده بودند، به‌خوبی می‌دانستند که جنگ خیابانی چگونه می‌تواند زندگی روزمره، اقتصاد شهری و امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. جامعه در این جنگ عامل اصلی پیروزی بود. پیروزی آگاهی، مسئولیت‌پذیری، و همبستگی جمعی جامعه در مقابل دشمنان بود. در این جنگ، قهرمان اصلی مردم بودند؛ مردمی که با حضور آگاهانه و داوطلبانه خود نشان دادند که سرنوشت شهرها در نهایت کشور به اراده جامعه گره خورده است.

۵

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

التماس آمریکا از سایر کشورها نشانه استیصال او در میدان نظامی است.



قدرت اول نظامی جهان، ایالات متحده آمریکا وقتی آتش جنگ علیه جمهوری اسلامی را برافروخت، به سرعت خط‌ونشان کشید که تنها راه خاتمه جنگ، تسلیم بی قید و شرط ایران است و هرگز تصور نمی‌کرد که فقط با گذشت چند روز از آغاز جنگ، این خودش است که مجبور می‌شود برای نجات از باتلاقی که در آن گرفتار شده، به کشورهای دیگر متوسل شود و از آنها برای امور مختلف نظامی از جمله بازکردن تنگه هرمز درخواست کمک کند. این درحالی بود که جمهوری اسلامی از روز آغاز جنگ تاکنون، از هیچ کشوری درخواست کمک نداشته و مستقلانه به مقاومت می‌پردازد. افتضاحی که ایالات متحده در این نبرد نظامی به بار آورد شامل ناکامی در دستیابی به اهداف راهبردی‌اش، نابدوی پایگاه‌هایش، از دست دادن پدافندهایش، انبارهای تسلیحات و مراکز اطلاعاتی مهمش و حتی زیرساخت‌های انرژی اش در منطقه بود. در مورد تنگه هرمز نیز فاجعه‌ای مستقل برای آمریکا رقم خورد که آنها را به اتخاذ مواضع متناقض کشاند. بنابراین قدرت آفندی و پدافندی آمریکا در خلیج فارس با فرار ناوهای آن و عدم امکان عبور از تنگه هرمز به شدت کاهش پیدا کرد و غیرعملیاتی شدن پایگاه‌های آن در منطقه، وضعیت آمریکا را به استیصالی رساند که در امور مختلف نظامی از جمله بازکردن تنگه هرمز، این قدرت متکبر دست به دامن کشورهای اروپایی و غیر اروپایی شد و از آنها درخواست کمک کرد تا با ورود به این جنگ، تنگه هرمز را باز کنند و حجم و کیفیت حملات آمریکا را تقویت کنند، اما پاسخ منفی کشورهای اروپایی و آسیایی که برآمده از ترسی بود که درخصوص درگیری با ایران داشتند، پله‌ای دیگر از تنزل جایگاه متزلزل آمریکا در جهان بود و تحقیری جهانی برای آنها محسوب می‌شد که به دست ایران رقم خورد. جنگ رمضان ایالات متحده را از کشوری که در جنگ‌ها دست برتر را داشت و دیگران به او رجوع می‌کردند به کشوری تبدیل کرد که برای خریدن زمان و تحمل خسارات کمتر، مجبور به کمک خواستن از دیگران شد.

پیام ششم

ملات ایران در دل یک بحران سرنوشت ساز جهان را

با آرامش خود غافلگیر کرد.



در روزهایی که منطقه در التهاب بی‌سابقه‌ای فرو رفته بود، رفتار جامعه ایران صحنه‌ای را رقم زد که برای بسیاری از ناظران جهانی غیرمنتظره، حتی شگفت‌انگیز بود. در حالی که جنگ معمولاً با فرار جمعی، بی‌ثباتی اجتماعی و سقوط روحیه عمومی همراه است، در ایران الگوی متفاوتی از کنش اجتماعی شکل گرفت؛ الگویی که به سرعت در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب یافت و به «پدیده‌ای غیرمعمول» توصیف شد.

نخستین جلوه این شگفتی در متانت عمومی مردم دیده شد. شهروندانی که زیر فشار تهدید، خسارت و بی‌طعیتی قرار داشتند، واکنشی برخلاف تصویر رایج جوامع جنگ‌زده نشان دادند: آرامش، حفظ نظم و تلاش برای استمرار زندگی روزمره باعث تعجب جهانپان شد. این رفتار، که برای بسیاری از تحلیلگران قابل پیش‌بینی نبود، ریشه در لایه‌های تاریخی تاب‌آوری ایرانیان دارد؛ جامعه‌ای که قرن‌ها در مواجهه با بحران‌ها، الگوهایی از «کنش پایدار» و «مهار هیجان جمعی» را نباشته کرده است.

اما نقطه اوج حیرت ناظران خارجی، بازگشت داوطلبانه بسیاری از ایرانیان به کشور بود. در شرایطی که معمولاً مسیر طبیعی جوامع بحران‌زده «مهاجرت گسترده» است، تصمیم ایرانیان برای بازگشت، تصویری کاملاً متفاوت ساخت. بسیاری از رسانه‌ها این رفتار را نشانه‌ای از «عمق پیوند عاطفی و تاریخی با سرزمین» توصیف کردند؛ پیوندی که در بزنگاه‌ها خود را با قدرتی غیرقابل انکار نشان می‌دهد.

بازگشت تیم فوتبال زنان به کشور نیز به یک نماد جهانی تبدیل شد؛ انتخابی که فراتر از تصمیمی ورزشی، بیانگر نوعی وفاداری اجتماعی و درک مسئولیت جمعی بود. همزمان، جریان گسترده همپاری مردمی، تشکیل شبکه‌های غیررسمی حمایت، و تلاش برای حفظ فعالیت‌های شهری، تصویری از جامعه‌ای ارائه داد که در دل بحران، نه فرومی‌پاشد و نه گسیخته می‌شود، بلکه به سوی انسجام بیشتر حرکت می‌کند.

این رفتار جمعی برای جهان نشانه‌ای از فرهنگ ریشه‌دار و سرمایه اجتماعی پنهانی بود که در لحظات حساس خود را آشکار می‌کند. آنچه ایران این‌بار به نمایش گذاشت، الگویی بود که بسیاری از ناظران جهانی را شگفت‌زده کرد؛ جامعه‌ای که در میان جنگ، با متانت، پیوستگی و احساس مسئولیت، تصویر متفاوتی از خود به دنیا نشان داد.

پیام پنجم

پیام هفتم

حفظ نظام سیاسی و بازسازی فوری ساختارها، پروژۀ اصلی جنگ را به بن‌بست کشاند.



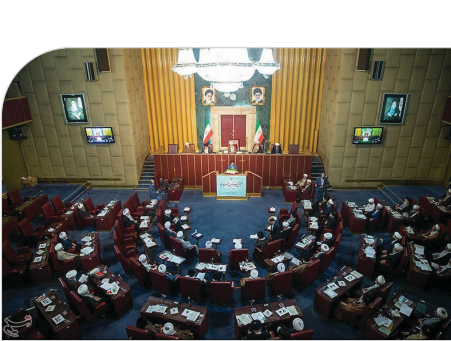
در منطق جنگی رژیم صهیونیستی و آمریکا دکترین ترور مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی رده‌ی بالای یک نظام سیاسی، با این هدف صورت می‌پذیرد که آن نظام سیاسی دچار شوک و فروپاشی شود. تصور آنها این بود که اگر بتوانند یک رده کامل از راس نظام سیاسی را هدف قرار بدهند، سیستم دچار شوک می‌شود و امکان تصمیم‌گیری از سیستم سلب می‌شود. آنها این مسئله را در جنگ ۱۲ روزه تجربه کرده بودند، اما گمانشان این بود که اگر در آن جنگ سیستم سرپا ماند، صرفاً به خاطر شخص رهبری نظام بود. به همین دلیل، این بار شخص رهبری نظام را نیز در کنار فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی به شهادت رساندند تا به طور کامل نظام سیاسی را دچار فروپاشی کنند. محاسبه‌ی دشمن این بود که اگر راس سیستم هدف قرار بگیرد و حذف بشود، مردم با مشاهده‌ی ضعف حاکمیت به خیابان می‌آیند و بر علیه حاکمیت سیاسی اقدام می‌کنند و اقدامات دومینوار برای تغییر رژیم سیاسی شتاب می‌یابد.

تمام محاسبات دشمن اشتباه از آب درآمد و نظام سیاسی جمهوری اسلامی سخت‌جان‌تر از آنچه آنها تصوّر می‌کردند، خود را بازسازی کرد. پابرجا ماندن جمهوری اسلامی، همه‌ی نقشه‌های دشمن را که بر اساس این فرضیه طراحی شده بود، به بن‌بست کشاند. در این زمینه، ذکر دو نکته ضروری است: یکی اینکه جمهوری اسلامی توان بالای خود در بازسازی فوری ساختارها و مناصب را به رخ کشید و نشان داد که در شرایط بحرانی می‌تواند خود را بازسازی و ترمیم کند. دیگری اینکه باور و اعتقاد مردم ایران به جمهوری اسلامی و پیوند عاطفی‌شان با این نظام سیاسی نمودار شد و نشان داد که نظام از بنیه‌ی مردمی مستحکمی برخوردار است. به عبارت دیگر، نظام جمهوری اسلامی هم «ساخت حقوقی» و هم «ساخت حقیقی» مستحکم خود را بیست روز نخست جنگ به تصویر کشید و بازی طراحی‌شده دشمن را به هم زد.

پیام هشتم

شجاعت و درایت مجلس خبرگان در تعیین رهبر

جدید خارج از محاسبات دشمن بود.



با آغاز تهاجم گسترده آمریکا و اسرائیل علیه ایران، دشمن در نخستین گام خود اقدام به ترور ناجوانمردانه رهبر انقلاب کرد. طراحان این جنگ با تکیه بر تحلیل‌های سطحی خود، بر این باور بودند که با شهادت ایشان، انسجام ملی و سیاسی ایران بلافاصله فرو می‌پاشد. دشمن در محاسبات خود گمان می‌کرد که نظام اسلامی به شدت به شخص وابسته است و با حذف فیزیکی رهبری، شیرازه کار نظام در همان روزهای نخست از هم خواهد پاشید.

این فرضیات دشمن به طور کامل غلط از آب درآمد و آنچه در عمل رخ داد، کاملاً خارج از محاسبات اتاق‌های فکر واشنگتن و تل‌آویو بود. در شرایطی که تهدیدات نظامی به اوج خود رسیده بود

و دشمن صراحتاً از هدف قرار دادن مراکز حساس و تجمعات سیاسی و به خصوص جلوگیری از تشکیل جلسه خبرگان سخن می‌گفت و با بمباران ساختمان دبیرخانه خبرگان در عمل اراده خود را

نشان داد در این حال مجلس خبرگان رهبری با شجاعتی مثال‌زدنی وارد میدان شد برگزاری جلسه بررسی و تعیین رهبر در میانه میدان جنگ و زیر باران تهدیدات، نشان‌دهنده روحیه شهادت‌طلبی و نترسی اعضای این مجلس بود. دشمن هرگز تصور نمی‌کرد که در چنین وضعیت بحرانی، خبرگان قدرت تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری سریع را داشته باشند.

درایت مجلس خبرگان در آن لحظات سرنوشت‌ساز با تعیین رهبر جدید به اوج خود رسید. انتخاب فرزند رهبر فقید به عنوان جانشین، به نوعی معنای تجدید حیات رهبر انقلاب در کالبدی جدید بود که ضربه‌ای سهمگین و فراتر از انتظار به پیکره روانی دشمن و ضدانقلاب وارد کرد. این تصمیم هوشمندانه ضربه‌ای مهم به طرح دشمن برای ایجاد خلأ قدرت در ایران بود. اکنون به روشنی ثابت شده است که این شجاعت و درایت خارج از محاسبات دشمن بود که به عنوان پارامتری تعیین‌کننده تمام معادلات جنگ را دگرگون ساخت.

دشمن اکنون برخلاف تصور سابق خود با نظامی منسجم مواجه است که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز از انجام وظایف راهبردی خود باز نمی‌ماند. این حرکت تاریخی مجلس خبرگان، خیال‌پردازانه بودن محاسبات دشمن را به همه ثابت کرد و مایه اقتدار مجدد ایران در صحنه نبرد شد.

۸

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

۶

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

۴

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

۲

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران